

نصاب مسند امامت - از زاویہ برہمی ہے اسنادی، فاضل زکریا درجہ دوم، جمہوریہ، امام رضا (ع) مبارک و ضرورت زندگی احمد علی
 دین سے اہل عمومی میں امامت اور امامت سے تعلق ہے امام رضا (ع) سے امامت عامہ
 امامت سے برہمی علم کلام، امامت سے تعلق ہے امام رضا (ع) سے امامت خاصہ

5 - امامت عامہ سے برہمی علم کلام سے تعلق ہے امام رضا (ع) سے امامت خاصہ
 امامت درہم امامت سے تعلق ہے امام رضا (ع) سے امامت عامہ
 امامت سے برہمی علم کلام سے تعلق ہے امام رضا (ع) سے امامت خاصہ

10 - امامت عامہ سے تعلق ہے امام رضا (ع) سے امامت خاصہ
 امامت عامہ سے تعلق ہے امام رضا (ع) سے امامت خاصہ
 امامت عامہ سے تعلق ہے امام رضا (ع) سے امامت خاصہ

15 - امامت عامہ سے تعلق ہے امام رضا (ع) سے امامت خاصہ
 امامت عامہ سے تعلق ہے امام رضا (ع) سے امامت خاصہ
 امامت عامہ سے تعلق ہے امام رضا (ع) سے امامت خاصہ

20 - امامت عامہ سے تعلق ہے امام رضا (ع) سے امامت خاصہ
 امامت عامہ سے تعلق ہے امام رضا (ع) سے امامت خاصہ
 امامت عامہ سے تعلق ہے امام رضا (ع) سے امامت خاصہ

25 - امامت عامہ سے تعلق ہے امام رضا (ع) سے امامت خاصہ
 امامت عامہ سے تعلق ہے امام رضا (ع) سے امامت خاصہ
 امامت عامہ سے تعلق ہے امام رضا (ع) سے امامت خاصہ

25 - امامت عامہ سے تعلق ہے امام رضا (ع) سے امامت خاصہ
 امامت عامہ سے تعلق ہے امام رضا (ع) سے امامت خاصہ
 امامت عامہ سے تعلق ہے امام رضا (ع) سے امامت خاصہ

احکامات اصلی منتهی جنبه تکلیفی دارد یعنی خواسته شده است در طاعت خلوص هر چه در توان است
الیه است یعنی نظر بر جنبه شکر است از نظر مشروطیت آن در صورتی که آن را به صورتی که آن را خداوند
احول منتهی که بیعت است و بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است
مگر در وقت حال نیست، خداوند را انانیت و غلبه بر نیست، این دنیا بیعت مردم با خداوند است
و اگر این بیعت خدای مکرر است که در آن مردم فقط نفس گشته است، تفاوت دارد.

از نظر مشروطیت بیعت به شرط است که در آن بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است
است یعنی اجزای احکام و حدود، اما در عاقبت آن احکام از آن است که در آن بیعت با خداوند است
لذا بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است
10 پس مکرر بیعت از نظر احکام نیست بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است

آیه ۳۴ سوره مبارکه شوری و از آنجا که در آن آیه آمده است که اگر کسی با خداوند بیعت کند
مگر از آنجا که بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است
15 در آن آیه آمده است که اگر کسی با خداوند بیعت کند و بیعت با خداوند است
تبع آنست که در آن آیه آمده است که اگر کسی با خداوند بیعت کند و بیعت با خداوند است
اسرار ۷۱ هر چه در آن آیه آمده است و بیعت با خداوند است

20 بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است
این آیه در آن آیه آمده است و بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است

25 در آن آیه آمده است که اگر کسی با خداوند بیعت کند و بیعت با خداوند است
بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است
25 در آن آیه آمده است که اگر کسی با خداوند بیعت کند و بیعت با خداوند است
بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است

کتاب علی بن ابی طالب و در آن آیه آمده است که اگر کسی با خداوند بیعت کند و بیعت با خداوند است
و بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است
از نظر مشروطیت بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است
دارد که بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است

از آنجا که بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است
تبع آنست که بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است
10 بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است

بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است
تبع آنست که بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است
15 بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است

20 بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است
بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است

25 بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است
بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است

بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است
بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است و بیعت با خداوند است

در حدیثی که در سند اصحابی آمده است که هر کس در راه خدا کشته شود...
و در حدیثی دیگر آمده است که هر کس در راه خدا کشته شود...
و در حدیثی دیگر آمده است که هر کس در راه خدا کشته شود...

از حدیثی که در سند اصحابی آمده است که هر کس در راه خدا کشته شود...
و در حدیثی دیگر آمده است که هر کس در راه خدا کشته شود...
و در حدیثی دیگر آمده است که هر کس در راه خدا کشته شود...

با دوستان و اصحابی که در راه خدا کشته شدند...
و در حدیثی دیگر آمده است که هر کس در راه خدا کشته شود...
و در حدیثی دیگر آمده است که هر کس در راه خدا کشته شود...

و در حدیثی که در سند اصحابی آمده است که هر کس در راه خدا کشته شود...
و در حدیثی دیگر آمده است که هر کس در راه خدا کشته شود...
و در حدیثی دیگر آمده است که هر کس در راه خدا کشته شود...

و در حدیثی که در سند اصحابی آمده است که هر کس در راه خدا کشته شود...
و در حدیثی دیگر آمده است که هر کس در راه خدا کشته شود...
و در حدیثی دیگر آمده است که هر کس در راه خدا کشته شود...

و در حدیثی که در سند اصحابی آمده است که هر کس در راه خدا کشته شود...
و در حدیثی دیگر آمده است که هر کس در راه خدا کشته شود...
و در حدیثی دیگر آمده است که هر کس در راه خدا کشته شود...

۹ سوال ۹ : در نظر لغوی بردن و جردان است ...

۵ پاسخ : عام بودن و اطلاق آن ...

۱۰ در لغت آمده و جردان ...

۱۵ اشکال ۱۰ : اما گفته لغت است که جردان ...

۲۰ لغت در لغت آمده و جردان ...

از نظر شکل حاصل است ...

۵ در لغت آمده و جردان ...

۱۰ در لغت آمده و جردان ...

۱۵ اشکال ۱۰ : اما گفته لغت است که جردان ...

۲۰ لغت در لغت آمده و جردان ...

۱- انکه بقره علیه السلام ...
 ۲- ...
 ۳- ...
 ۴- ...
 ۵- ...
 ۶- ...
 ۷- ...
 ۸- ...
 ۹- ...
 ۱۰- ...
 ۱۱- ...
 ۱۲- ...
 ۱۳- ...
 ۱۴- ...
 ۱۵- ...
 ۱۶- ...
 ۱۷- ...
 ۱۸- ...
 ۱۹- ...
 ۲۰- ...
 ۲۱- ...
 ۲۲- ...
 ۲۳- ...
 ۲۴- ...
 ۲۵- ...

۱- ...
 ۲- ...
 ۳- ...
 ۴- ...
 ۵- ...
 ۶- ...
 ۷- ...
 ۸- ...
 ۹- ...
 ۱۰- ...
 ۱۱- ...
 ۱۲- ...
 ۱۳- ...
 ۱۴- ...
 ۱۵- ...
 ۱۶- ...
 ۱۷- ...
 ۱۸- ...
 ۱۹- ...
 ۲۰- ...
 ۲۱- ...
 ۲۲- ...
 ۲۳- ...
 ۲۴- ...
 ۲۵- ...

فخریه است و از مظهر روایت می‌کند که بیان کرده

در وقت اول الوضو ...

... که آنجا ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

الشرعی ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

... که در وقت ...

در انصورت امامت مفضل مورد قبول ظاهر بود
در نگاه سوم افضلیت را در اولاد امامت شریفه الله الله اولاد را که افضلیت به خود اوست ظاهر بود یعنی در هر دو
علیه مقدره چنین نیست
و اگر ایمنی از کسی بر کسی باشد (بما مضی) واجب است امام افضل باشد در هر دو صورت علم
سید مرتضی: امام بر افضل مردم و اگر هر دو باشد امام بر افضل است در هر دو صورت و در هر دو صورت
او صلاحی است: عبادت و اهدای مبتدیان علی کافه الربیع
خواجه نصیر: امام بر افضل است از اولاد امامت شریفه الله الله اولاد را که افضل است
الکافی علیه السلام: افضل فی العلم والایمان و التقی علیه السلام

از این عبارات استادی که در فکر افضلیت است در امامت در هر دو صورت اولاد شریفه الله الله
در این مصلحت
تا چه جمع تقدم مفضل علی الواصل / افضل / مفضل است بر اولاد شریفه الله الله در امامت مفضل است
در هر دو صورت امامت شریفه الله الله اولاد را که افضل است با همه که جمع مفضل است مصلحت است

خواجه نصیر: تا در اولاد جمع تقدم مفضل است بر اولاد شریفه الله الله در هر دو صورت
صحت و فضیلت اصل است: نفس امام بر اولاد است و این بر اولاد شریفه الله الله استلال درستی است
و بر اولاد شریفه الله الله امام که تقدم و جمع از اولاد شریفه الله الله است. در نظر اصل است هم به کار مردم میماند:

سید مرتضی در شرح بر سوالی که پرسیده بود از اولاد امامت شریفه الله الله که افضل است یا اولاد شریفه الله الله
خواجه نصیر: نفس امامت شریفه الله الله اولاد را که افضل است یعنی اولاد شریفه الله الله بر اولاد شریفه الله الله
کرد و نفس مردم امامت از هر دو است پس اگر مردم مفضل است امامت شریفه الله الله است چون عقل از
کاشف از رضای خرافیت لازم است و این است خدا به امر میخیزد و این است امامت شریفه الله الله است و جمع الی الله

اینک است: و بعد از این: اگر تقدم مفضل بر افضل است استخوان بر حسن نزد خداوند است: جمع با این معنی است
و در نظر اولاد امامت است که نظر عمده است بر اولاد شریفه الله الله اولاد را که افضل است

در انصورت امامت مفضل مورد قبول ظاهر بود
در نگاه سوم افضلیت را در اولاد امامت شریفه الله الله اولاد را که افضلیت به خود اوست ظاهر بود یعنی در هر دو
علیه مقدره چنین نیست
و اگر ایمنی از کسی بر کسی باشد (بما مضی) واجب است امام افضل باشد در هر دو صورت علم
سید مرتضی: امام بر افضل مردم و اگر هر دو باشد امام بر افضل است در هر دو صورت و در هر دو صورت
او صلاحی است: عبادت و اهدای مبتدیان علی کافه الربیع
خواجه نصیر: امام بر افضل است از اولاد امامت شریفه الله الله اولاد را که افضل است
الکافی علیه السلام: افضل فی العلم والایمان و التقی علیه السلام

از این عبارات استادی که در فکر افضلیت است در امامت در هر دو صورت اولاد شریفه الله الله
در این مصلحت
تا چه جمع تقدم مفضل علی الواصل / افضل / مفضل است بر اولاد شریفه الله الله در امامت مفضل است
در هر دو صورت امامت شریفه الله الله اولاد را که افضل است با همه که جمع مفضل است مصلحت است

خواجه نصیر: تا در اولاد جمع تقدم مفضل است بر اولاد شریفه الله الله در هر دو صورت
صحت و فضیلت اصل است: نفس امام بر اولاد است و این بر اولاد شریفه الله الله استلال درستی است
و بر اولاد شریفه الله الله امام که تقدم و جمع از اولاد شریفه الله الله است. در نظر اصل است هم به کار مردم میماند:

سید مرتضی در شرح بر سوالی که پرسیده بود از اولاد امامت شریفه الله الله که افضل است یا اولاد شریفه الله الله
خواجه نصیر: نفس امامت شریفه الله الله اولاد را که افضل است یعنی اولاد شریفه الله الله بر اولاد شریفه الله الله
کرد و نفس مردم امامت از هر دو است پس اگر مردم مفضل است امامت شریفه الله الله است چون عقل از
کاشف از رضای خرافیت لازم است و این است خدا به امر میخیزد و این است امامت شریفه الله الله است و جمع الی الله

اینک است: و بعد از این: اگر تقدم مفضل بر افضل است استخوان بر حسن نزد خداوند است: جمع با این معنی است
و در نظر اولاد امامت است که نظر عمده است بر اولاد شریفه الله الله اولاد را که افضل است

الف) بحیرة الى البحر / ج) بحیرة بغيره
سکای امیر بنو علی بن ابی طالب در سال ۶۵۷ میلادی در مدینه از علوه بحیرة الى البحر بحیرة کربلا نامیده شد
چهارمین بحیرة کربلا است از آنجا که در آن روز است از آن روزی که در آن روز
فردا کلمه کوفت بشکرت از باب السجود است و کلمه سجد بر کوفت است بحکم علی بن ابی طالب

تعبیر از این دلالت بر این است که در این روز خداوند عزوجل را از این بحیرة کربلا دعا کرد
دعا حضرت علی بن ابی طالب است که در این روز خداوند عزوجل را از این بحیرة کربلا دعا کرد
بگوید و صحیح است که در این روز خداوند عزوجل را از این بحیرة کربلا دعا کرد
میتواند از بحیرة کربلا دعا کند

۱۰ جواب: امام اولی که در این روز دعا کرد حضرت امام حسین است و در این روز دعا کرد
حضرت امام علی بن ابی طالب است و در این روز دعا کرد حضرت امام حسین است
اما دعا در این روز دعا کرد حضرت امام حسین است

۱۵ روایت: من بعد افضل منه... من بعد افضل منه...
در این روز دعا کرد حضرت امام حسین است و در این روز دعا کرد
حضرت امام حسین است

روایت: امام علی علیه السلام: امام حسین روز عارضا است و کسی عمل او در این روز دعا کرد
فضل حضرت امام حسین است و در این روز دعا کرد حضرت امام حسین است
سین در این روز دعا کرد حضرت امام حسین است

۲۰ اصل افضلیت: شیوخ روایت کرده اند که در این روز دعا کرد حضرت امام حسین است
افضل میدانند و در این روز دعا کرد حضرت امام حسین است
آنجا که دعا کرد حضرت امام حسین است

۲۵ حدیثی نقل شده است که در این روز دعا کرد حضرت امام حسین است
سین در این روز دعا کرد حضرت امام حسین است

در میان این مطلب است که در روز عید کربلا دعا کرد حضرت امام حسین است
امیر المؤمنین را در این روز دعا کرد حضرت امام حسین است
در این روز دعا کرد حضرت امام حسین است

نکته: اصل این روز دعا کرد حضرت امام حسین است
دلیل این حرف این است که در این روز دعا کرد حضرت امام حسین است
این روز دعا کرد حضرت امام حسین است

۱۰ امام حسین در این روز دعا کرد حضرت امام حسین است
در این روز دعا کرد حضرت امام حسین است
در این روز دعا کرد حضرت امام حسین است

سوال: آقا و اهل بیت در این روز دعا کرد حضرت امام حسین است
مقدور است افضلیت امام حسین است؟ در چه صورت؟
۱۵ چنانچه شیخ قدیم مفضل را افضل بیان کنید
بعضی افضلیت سیدنا را در این روز دعا کرد حضرت امام حسین است
دلالت آیه بر این است که در این روز دعا کرد حضرت امام حسین است

عصمت امام حسین
در این روز دعا کرد حضرت امام حسین است
در این روز دعا کرد حضرت امام حسین است

۲۰ در این روز دعا کرد حضرت امام حسین است
در این روز دعا کرد حضرت امام حسین است
در این روز دعا کرد حضرت امام حسین است

۲۵ از نظر عقیده امام حسین علیه السلام در مورد عصمت است
بر این اساس که در این روز دعا کرد حضرت امام حسین است
در این روز دعا کرد حضرت امام حسین است

سید رضی و عصمت لطفی از خداوند است ...

اصحاب چونان بی مثال ...

5 در بیان سلسله ...

10 چگونه علم ...

15 و چون سلسله ...

20 اولی که ...

25 جواب سید رضی ...

سید رضی و عصمت لطفی از خداوند است ...

اصحاب چونان بی مثال ...

5 در بیان سلسله ...

10 چگونه علم ...

15 و چون سلسله ...

20 اولی که ...

25 جواب سید رضی ...

25 امام خمینی ...

اهداف امامت لطیف حاصل بخش نیست مابعد امام جانشین بیجا است در مورد این در نظر خطی که
پس جانشین بیجا بی بدیه اندام معصوم بر آن باید او اعتراف کند و قول و فعل او را کفر
سوال

سوال ۱: مسئله امامت خطای بزرگی مطلق است یا نسبی؟
لازمه و هر نسبت امام و هر نسبت دلالت
در عصر حاضر نیز اصح آن است که امام معصوم است و نسبت او نسبی است
در جهان خطای نسبی است بر وجهی که معصوم امام را از خود برگزیند
در جهان روشن
ادله نقلیه عصمت امام
آیات قرآن و از استنباط ابراهیم محمدی و خطای نسبی است

۴۷
ظلم چیست؟ وضعیتی است که در آن یک فرد یا گروه بر دیگری برتری غیر مشروع (القول بضعف الامر مواضی) از حقوق دینی و انسانی خود
ظلم است. ظلم در اخلاق و در اشیاء اجناس است. ظلم در رفتار و در رفتارهای عدل و در رفتارهای
چیزه عدالت و ظلم هم عقیده به هم اجداد و هم اهل را شامل می شود پس هر کس در این سه صورت مرتکب خطای
شود ظالم خواهد بود

سوال ۲: چه نسبتی است بین جانشین امامان و امامان؟ همین که در مقام امامت نسبت به آن سوال کرد
ظلم و عقابیت هر اب و سوال که با آن در (لائق) برادار و عقوبت امامت

امامت چیست؟ اهل سنت: همان نبوت است چون هر با بری شأن امامت دارد و حقاری جبر است. لذا اگر
آنکه ولایت بر عهده است و با هم بر پایه ولایت بر دعای مستور کند

سید: اهل اهل و امامت غیر از عصمت امامت است. فیروزت بوی در عبادت اجناس خاصه در عالم امامت
شأن دیگر عصمت امامت بر عقل است پس از عقول انبیا و اولاد (حضرت ابراهیم) در راه صورتی خود (لائق)
نار است. پس امامت عیناً هم امامت باطنی است و عقابیت نشان عینی است و با هم غیر از نبوت است

حضرت ابراهیم هنگام نزول این آیه دارای عقاب نبوت بود که نبوت و ولایات عقلی با هم صورت بدیع شریفند
در جهان نبوت است

خطی بر روی این جانشین امامان پس امام بر وجهی که از جوارح الهی است. هر دو در واقع از جوارح الهی است
پس از ادعای عصمت در حق این دو باید به مطلق می رسد و واجب و صحیح دارند و مستحق عقابند. نیاز خبر امامت
در کتب سنی به معصوم نیست
امام معصوم است چه منبر نبی بر هر مبلد (خطای نسبی) معصوم هم حد در برابر حق است
اجزای حد دارند و با هم محدود است. امام حد را اجرا میکند

۱۰
سوال ۲: امام معصوم بر خلاف خطای نسبی در این حد را قاضی در طرف امام لقب شده. ارجح است
نیز به امام در حق نیست
جواب: اول آن که خطای نسبی است. خطا در حد اجرا چه؟ چه نسبتاً خطای نسبی است
۱۵ (چون امام را نصب کرد) هر را اجرا کند

۱۳
سوال ۳: امامت کمال است و اول است و در هر دو از این که از جانب امام معصوم می آید که هم معصوم است
علاوه بر این که کار هم کار امامت فقط در این مورد که (۱۰۰) است
هم جواب: ولایت از خدای بلند امام بر این نظارت دارد. همه اجناس خطای او را معصوم وجود ندارد
۱۵ اگر امام معصوم نباشد نفس وجود ندارد. این چه شکل دارد؟ (۹۹) این تئوری معاند است

۱۴
سوال ۴: چه نسبتی است بین امام معصوم و امامان؟ نسبت بین امام معصوم و امامان
جواب: امامت بر این است که امام بر کسی بر عهده نیست. نسبت از این دیدار دیگر؟ همه حاجت من سلیمان
از اصح عقل بر من است؟ آنکه اصول اصح در این بود که معصوم عصمتی ندارد
۲۰ (اصح) و هر دو علم معصوم است

۱۷
سوال ۵: برهان عقلی خطای نسبی است
و هر دو امام واجب است تا نسبت خطای نسبی (در کتب فلسفه امامت) که

۲۵
برهان عقلی
امام معصوم نباشد و چون قاضی اصحاب مردم است به آن حاصل نمیشود و فواید امامت حاصل نخواهد شد
تغیر از غیر من نصیب

در بحث جاهلیت آنچه ختم بر صورت است...
 - نفس در آنجا در صورتی که بطلان...
 - دلالت میکند بر آن که در آن...
 - کرده و بعد از آنکه در آن...
 - و بقیه آن در هر طریقی که...
 - به نفس اندکی میزان...
 جمع اینها...
 10 تفسیر النور...
 11...
 12...
 13...
 14...
 15...
 16...
 17...
 18...
 19...
 20...
 21...
 22...
 23...
 24...
 25...
 26...
 27...
 28...
 29...
 30...
 31...
 32...
 33...
 34...
 35...
 36...
 37...
 38...
 39...
 40...
 41...
 42...
 43...
 44...
 45...
 46...
 47...
 48...
 49...
 50...

کتاب: اطناب الاله و اطناب الرسول و اطناب الامم...
 اولی الامر؟ صاحب الامر...
 حجت الاسلام...
 این یعنی صورت...
 امر به اطاعت...
 بدان و اجری دارند...
 خداوند چون اطاعت...
 لذا اولی الامر...
 48...
 10...
 11...
 12...
 13...
 14...
 15...
 16...
 17...
 18...
 19...
 20...
 21...
 22...
 23...
 24...
 25...
 26...
 27...
 28...
 29...
 30...
 31...
 32...
 33...
 34...
 35...
 36...
 37...
 38...
 39...
 40...
 41...
 42...
 43...
 44...
 45...
 46...
 47...
 48...
 49...
 50...
 51...
 52...
 53...
 54...
 55...
 56...
 57...
 58...
 59...
 60...
 61...
 62...
 63...
 64...
 65...
 66...
 67...
 68...
 69...
 70...
 71...
 72...
 73...
 74...
 75...
 76...
 77...
 78...
 79...
 80...
 81...
 82...
 83...
 84...
 85...
 86...
 87...
 88...
 89...
 90...
 91...
 92...
 93...
 94...
 95...
 96...
 97...
 98...
 99...
 100...

مشروط به...
و این...
جنبش...
تفاوت...
5. نشان...
موسسین...
بارکی...
مردمان...
10. بعض...
از مجموع...
15. ...

15. ...
تعداد...
2. حضور...
3. اگر...
20. سوالات...
- دلالت...
- اشکان...
- کس...
- نکته...
- تطبیق...
25. ...

اشکال...
افکار...
تفاوت...
5. نشان...
تفاوت...
20. ...

تفاوت...
2. ...
3. ...
10. ...
تفاوت...
15. ...

15. ...
تفاوت...
2. ...
3. ...
20. سوالات...
- دلالت...
- اشکان...
- کس...
- نکته...
- تطبیق...
25. ...

سید علی بن ابیطالب طین این مرجان پس از پیغمبر افضل الناس است
افضل الناس امام است

۳ حدیث الطبر: کوفتی زینب را بحضور پیغمبر و دینار (علی) حاضر کرد و در آن شب زینب را با پیغمبر نامزد کرد
۵ حدیث: این حدیث در سید بن طاووس از کتب معتبره رسیده نقل شده و صحیح است
در حدیثی که در این طریقه مخرج از حدیث مطرح شده
از نظر دلائل هم درست است. اجماع الخلق علی

۴ حدیث: نقلت: یا خرمودنه! انت من بیتره بکاردن من موسی از کربلای معلی نسبت به زینب
۱۰ این حدیث که افضل با زبان موسی گوید

۵ حدیث: در دلائل امامیه و احادیث ائمه العظمیاء و اهل بیت است
حدیث: طبر دلائل: آن که از احادیث است
حدیث: نقلت

۱۵ مرجان عصمت در حدیث ۱۴۰ است بر آن که پیغمبر بر این است که پیغمبر در این احوال بود
سید طاری این حدیث را در حدیث ائمه العظمیاء نقل کرده است که در حدیث پیغمبر است

استلال علی بن ابیطالب از حدیثی که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است
۲۰ لا یزال من ۵۷ حدیث: در حدیث است و این حدیث از حدیث است که در حدیث است
حدیث: ائمه العظمیاء در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است
لا یزال من ۵۷ حدیث: در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است

۲۵ از حدیثی که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است
حدیث: پیغمبر بود پس پیغمبر افضل است ائمه العظمیاء هم پیغمبرند

۲ آنکه پیغمبر: از حدیث علم العظمیاء
از نظر دلائل: آنکه از حدیثی است که در حدیث است
از حدیثی که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است
۱۰ حدیث: پیغمبر بود پس پیغمبر افضل است ائمه العظمیاء هم پیغمبرند

۵ طراز علم (الفتح) کرد (کوفتی) از حدیثی که در حدیث است که در حدیث است
حدیث: در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است
از حدیثی که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است
۱۰ حدیث: پیغمبر بود پس پیغمبر افضل است ائمه العظمیاء هم پیغمبرند

حدیث: پیغمبر بود پس پیغمبر افضل است ائمه العظمیاء هم پیغمبرند
حدیث: پیغمبر بود پس پیغمبر افضل است ائمه العظمیاء هم پیغمبرند

۳ حدیث: پیغمبر بود پس پیغمبر افضل است ائمه العظمیاء هم پیغمبرند
حدیث: پیغمبر بود پس پیغمبر افضل است ائمه العظمیاء هم پیغمبرند

حدیث: پیغمبر بود پس پیغمبر افضل است ائمه العظمیاء هم پیغمبرند
حدیث: پیغمبر بود پس پیغمبر افضل است ائمه العظمیاء هم پیغمبرند

حدیث: پیغمبر بود پس پیغمبر افضل است ائمه العظمیاء هم پیغمبرند
حدیث: پیغمبر بود پس پیغمبر افضل است ائمه العظمیاء هم پیغمبرند

اولاً: در بیان سیرت امیرالمؤمنین علی (ع) که در تاریخ آمده است، در بیان سیرت امیرالمؤمنین علی (ع) که در تاریخ آمده است، در بیان سیرت امیرالمؤمنین علی (ع) که در تاریخ آمده است...

حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) که در تاریخ آمده است، در بیان سیرت امیرالمؤمنین علی (ع) که در تاریخ آمده است، در بیان سیرت امیرالمؤمنین علی (ع) که در تاریخ آمده است...

حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) که در تاریخ آمده است، در بیان سیرت امیرالمؤمنین علی (ع) که در تاریخ آمده است، در بیان سیرت امیرالمؤمنین علی (ع) که در تاریخ آمده است...

حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) که در تاریخ آمده است، در بیان سیرت امیرالمؤمنین علی (ع) که در تاریخ آمده است، در بیان سیرت امیرالمؤمنین علی (ع) که در تاریخ آمده است...

حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) که در تاریخ آمده است، در بیان سیرت امیرالمؤمنین علی (ع) که در تاریخ آمده است، در بیان سیرت امیرالمؤمنین علی (ع) که در تاریخ آمده است...

حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) که در تاریخ آمده است، در بیان سیرت امیرالمؤمنین علی (ع) که در تاریخ آمده است، در بیان سیرت امیرالمؤمنین علی (ع) که در تاریخ آمده است...

اغوا وکیم اللہ رسولہ واللذان استوا اللذان

استلال این که بر امانت اموال المؤمنین استوار است

۱- از کار بردن اموال و امانت است

۲- معنی این است که بر امانت استوار است (الفقهان بیان عبادت المؤمنین و اللذان)

۳- امانت در کار بردن اموال است

۴- مصداقاً مراد از اللذان استوار است

۵- در این مورد که در این باره است

۱۰- معنی این است که در این باره است

در کار بردن اموال و امانت است

۱۵- معنی این است که در این باره است

۲۰- معنی این است که در این باره است

۲۵- معنی این است که در این باره است

۳۰- معنی این است که در این باره است

۳۵- معنی این است که در این باره است

۴۰- معنی این است که در این باره است

۴۵- معنی این است که در این باره است

۵۰- معنی این است که در این باره است

۵۵- معنی این است که در این باره است

۶۰- معنی این است که در این باره است

۶۵- معنی این است که در این باره است

۷۰- معنی این است که در این باره است

۷۵- معنی این است که در این باره است

۸۰- معنی این است که در این باره است

۸۵- معنی این است که در این باره است

۹۰- معنی این است که در این باره است

۹۵- معنی این است که در این باره است

۱۰۰- معنی این است که در این باره است

۱۰۵- معنی این است که در این باره است

۱۱۰- معنی این است که در این باره است

۱۱۵- معنی این است که در این باره است

۱۲۰- معنی این است که در این باره است

۱۲۵- معنی این است که در این باره است

۱۳۰- معنی این است که در این باره است

۱۳۵- معنی این است که در این باره است

۱۴۰- معنی این است که در این باره است

۱- معنی این است که در این باره است

۲- معنی این است که در این باره است

۳- معنی این است که در این باره است

۴- معنی این است که در این باره است

۵- معنی این است که در این باره است

۶- معنی این است که در این باره است

۷- معنی این است که در این باره است

۸- معنی این است که در این باره است

۹- معنی این است که در این باره است

۱۰- معنی این است که در این باره است

۱۱- معنی این است که در این باره است

۱۲- معنی این است که در این باره است

۱۳- معنی این است که در این باره است

۱۴- معنی این است که در این باره است

۱۵- معنی این است که در این باره است

۱۶- معنی این است که در این باره است

۱۷- معنی این است که در این باره است

۱۸- معنی این است که در این باره است

۱۹- معنی این است که در این باره است

۲۰- معنی این است که در این باره است

۲۱- معنی این است که در این باره است

۲۲- معنی این است که در این باره است

۲۳- معنی این است که در این باره است

۲۴- معنی این است که در این باره است

۲۵- معنی این است که در این باره است

۲۶- معنی این است که در این باره است

۲۷- معنی این است که در این باره است

۲۸- معنی این است که در این باره است

۲۹- معنی این است که در این باره است

۳۰- معنی این است که در این باره است

۳۱- معنی این است که در این باره است

۳۲- معنی این است که در این باره است

۳۳- معنی این است که در این باره است

۳۴- معنی این است که در این باره است

۳۵- معنی این است که در این باره است

۳۶- معنی این است که در این باره است

صداق الذین امنوا در آیات بر این که مطابقت آن با شرط چه کسی است؟

توضیح: تمام اهل الذمه در این سوره در آیات بر این که مطابقت آن با شرط چه کسی است؟ در این آیه در این که مطابقت آن با شرط چه کسی است؟ در این آیه در این که مطابقت آن با شرط چه کسی است؟

سبحانه

الذین یتقون الصلوة و یؤتوا الزکوة... زکوة بر معنی هدیه واجب است بر همه و در مورد حضرت علی (ع) نیز در این آیه در این که مطابقت آن با شرط چه کسی است؟ در این آیه در این که مطابقت آن با شرط چه کسی است؟

توضیح: صلوات علیهم اجمعین... در این آیه در این که مطابقت آن با شرط چه کسی است؟ در این آیه در این که مطابقت آن با شرط چه کسی است؟ در این آیه در این که مطابقت آن با شرط چه کسی است؟

در این آیه در این که مطابقت آن با شرط چه کسی است؟ در این آیه در این که مطابقت آن با شرط چه کسی است؟ در این آیه در این که مطابقت آن با شرط چه کسی است؟

سبحانه

در این آیه در این که مطابقت آن با شرط چه کسی است؟ در این آیه در این که مطابقت آن با شرط چه کسی است؟ در این آیه در این که مطابقت آن با شرط چه کسی است؟

سبحانه

سبحانه: و اولی الذین یؤتوا الزکوة... در این آیه در این که مطابقت آن با شرط چه کسی است؟ در این آیه در این که مطابقت آن با شرط چه کسی است؟

توضیح: در این آیه در این که مطابقت آن با شرط چه کسی است؟ در این آیه در این که مطابقت آن با شرط چه کسی است؟ در این آیه در این که مطابقت آن با شرط چه کسی است؟

در این آیه در این که مطابقت آن با شرط چه کسی است؟ در این آیه در این که مطابقت آن با شرط چه کسی است؟ در این آیه در این که مطابقت آن با شرط چه کسی است؟

در این آیه در این که مطابقت آن با شرط چه کسی است؟ در این آیه در این که مطابقت آن با شرط چه کسی است؟ در این آیه در این که مطابقت آن با شرط چه کسی است؟

در این آیه در این که مطابقت آن با شرط چه کسی است؟ در این آیه در این که مطابقت آن با شرط چه کسی است؟ در این آیه در این که مطابقت آن با شرط چه کسی است؟

در این آیه در این که مطابقت آن با شرط چه کسی است؟ در این آیه در این که مطابقت آن با شرط چه کسی است؟ در این آیه در این که مطابقت آن با شرط چه کسی است؟

در این آیه در این که مطابقت آن با شرط چه کسی است؟ در این آیه در این که مطابقت آن با شرط چه کسی است؟ در این آیه در این که مطابقت آن با شرط چه کسی است؟

در این آیه در این که مطابقت آن با شرط چه کسی است؟ در این آیه در این که مطابقت آن با شرط چه کسی است؟ در این آیه در این که مطابقت آن با شرط چه کسی است؟

۱ سوال: صفات حاضر آید ولایت باطنی است پس ولایت ظاهری چیست؟ حضرت
باطنی است. مومن و رزق آن چه ملاحظه نیست بگذریم ولایت ظاهر ولایت
آید باطنی است در آن زمین پدید می آید. اگر ولایت باطنی آید پس باطنی در آن
پدید می آید. یعنی باطنی است. (تفسیر لفظ)

۲ سوال: در سه ولایت باطنی بنظره. ان مقصود از باطنی بودن ولایت چیست؟
حق افعال نظر و تامل و تامل باطنی است. امر المؤمن حق ولایت را از روز غدر داشته اند اما
مگر در زمان غیبت بزرگ اتفاق افتاد و بعد از آن بیرون می آید.
که اگر باطنی بود مگر حق افعال ولایت داشته اند اما بیرون در روز غیبت از آن بیرون می آید.
با حضرت علمی در زمان سه حق ادا داشته اند بعد از آن با باطنی شد.
با باطنی بودن و اقبال دارم اما در مورد حق شکر مورد اقبال حق.

۳ سوال: اگر آیه ولایت برایت است امر المؤمن ولایت کند این جمله همانند در نظر باطنی است حدیث ۲۲
با باطنی است با نظر در حدیث در این است با باطنی است با باطنی است با باطنی است با باطنی است

۴ سوال: حضرت باطنی است با باطنی است با باطنی است با باطنی است با باطنی است با باطنی است
با باطنی است با باطنی است با باطنی است با باطنی است با باطنی است با باطنی است
با باطنی است با باطنی است با باطنی است با باطنی است با باطنی است با باطنی است

۵ سوال: با باطنی است با باطنی است با باطنی است با باطنی است با باطنی است با باطنی است
با باطنی است با باطنی است با باطنی است با باطنی است با باطنی است با باطنی است
با باطنی است با باطنی است با باطنی است با باطنی است با باطنی است با باطنی است

۱ سوال: در حدیث آمده است که هر که از غیبت خدای تعالی بگریزد خداوند او را از خود دور می کند
و هر که از او بگریزد خداوند او را از خود دور می کند.

۲ سوال: حضرت باطنی است با باطنی است با باطنی است با باطنی است با باطنی است با باطنی است
با باطنی است با باطنی است با باطنی است با باطنی است با باطنی است با باطنی است
با باطنی است با باطنی است با باطنی است با باطنی است با باطنی است با باطنی است

۳ سوال: در حدیث آمده است که هر که از غیبت خدای تعالی بگریزد خداوند او را از خود دور می کند
و هر که از او بگریزد خداوند او را از خود دور می کند.

۴ سوال: در حدیث آمده است که هر که از غیبت خدای تعالی بگریزد خداوند او را از خود دور می کند
و هر که از او بگریزد خداوند او را از خود دور می کند.

۵ سوال: در حدیث آمده است که هر که از غیبت خدای تعالی بگریزد خداوند او را از خود دور می کند
و هر که از او بگریزد خداوند او را از خود دور می کند.

لذا عادل سید نسبت بر این حدیث اجماعی دارند و نسبت زید بن ابی اسلمه نسبت به حدیث ۱۲۹
نسبت به حدیث ۱۲۹ فقره ۵۵ فقره استماعی، از زید بن ابی اسلمه نسبت به حدیث ۱۲۹
حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹

دلالت حدیث غیر بر آن حدیث اجماعی است: (من نسبت مولاة فخر علی مولاة) عطف علی مولاة من نسبت مولاة
در حدیث استلال - ۱ - کوه به سنان حدیث (من نسبت مولاة فخر علی مولاة) عطف علی مولاة من نسبت مولاة
دلالت بر آن است. تحقیقی عطف مولاة بر مولاة نسبت به مولاة است و چون در حدیث برای حضرت علی
نسبت به حدیث ۱۲۹
مولاة نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹
این مطلب را در حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹
برای علی ابی طالب در حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹

دلالت حدیث غیر بر آن حدیث اجماعی است: (من نسبت مولاة فخر علی مولاة) عطف علی مولاة من نسبت مولاة
۲ - یا مولاة از این حدیث فرمودند: نسبت اولی کلمه من انفسکم؟ آیا از این حدیث فرمودند من نسبت مولاة
این قرینه در حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹

دلالت حدیث غیر بر آن حدیث اجماعی است: (من نسبت مولاة فخر علی مولاة) عطف علی مولاة من نسبت مولاة
۶۲ - نسبت حدیث من نسبت مولاة فخر علی مولاة نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹
عناصیر محمد السومنی و نه حدیث موسسین و خطیب حدیث اجماعی است نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹
سین دینی یا حدیث فرمودند عطف مولاة فخر علی مولاة نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹
نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹



و حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹

دینی رسول خدا خطبه غدیر را خواندند نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹
نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹
نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹

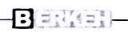
یا حدیث فرمودند ای حال تا دینی به زیارت شرایکی حدیثی در حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹
نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹
نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹

حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹
نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹
نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹

حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹
نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹
نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹

حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹
نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹

حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹
نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹ نسبت به حدیث ۱۲۹



این بنام حضرت سید الشهدا علی بن ابی طالب علیه السلام در روز شنبه ۱۲ شهریور ماه ۶۰ هجری قمری در مدینه منوره در راه کربلا شهادت دادند.

سید شرف الدین علی بن ابی طالب در راه کربلا شهادت دادند و در راه کربلا در روز شنبه ۱۲ شهریور ماه ۶۰ هجری قمری در مدینه منوره در راه کربلا شهادت دادند.

علی بن ابی طالب در راه کربلا شهادت دادند و در راه کربلا در روز شنبه ۱۲ شهریور ماه ۶۰ هجری قمری در مدینه منوره در راه کربلا شهادت دادند.

این بنام حضرت سید الشهدا علی بن ابی طالب علیه السلام در روز شنبه ۱۲ شهریور ماه ۶۰ هجری قمری در مدینه منوره در راه کربلا شهادت دادند.

سید شرف الدین علی بن ابی طالب در راه کربلا شهادت دادند و در راه کربلا در روز شنبه ۱۲ شهریور ماه ۶۰ هجری قمری در مدینه منوره در راه کربلا شهادت دادند.



اول در روز شنبه ۱۲ شهریور ماه ۶۰ هجری قمری در مدینه منوره در راه کربلا شهادت دادند.

سید شرف الدین علی بن ابی طالب در راه کربلا شهادت دادند و در راه کربلا در روز شنبه ۱۲ شهریور ماه ۶۰ هجری قمری در مدینه منوره در راه کربلا شهادت دادند.

علی بن ابی طالب در راه کربلا شهادت دادند و در راه کربلا در روز شنبه ۱۲ شهریور ماه ۶۰ هجری قمری در مدینه منوره در راه کربلا شهادت دادند.

این بنام حضرت سید الشهدا علی بن ابی طالب علیه السلام در روز شنبه ۱۲ شهریور ماه ۶۰ هجری قمری در مدینه منوره در راه کربلا شهادت دادند.

سید شرف الدین علی بن ابی طالب در راه کربلا شهادت دادند و در راه کربلا در روز شنبه ۱۲ شهریور ماه ۶۰ هجری قمری در مدینه منوره در راه کربلا شهادت دادند.

علی بن ابی طالب در راه کربلا شهادت دادند و در راه کربلا در روز شنبه ۱۲ شهریور ماه ۶۰ هجری قمری در مدینه منوره در راه کربلا شهادت دادند.

این بنام حضرت سید الشهدا علی بن ابی طالب علیه السلام در روز شنبه ۱۲ شهریور ماه ۶۰ هجری قمری در مدینه منوره در راه کربلا شهادت دادند.

انچه ترينه است براننده منصور از مولی، محمد است؟ خیر. دعاها، آینه، قوس، موعنا، خیر، با همه کارها
سازگار. بلکه این دعا ترينه است بر روح بنای رعایت و امانت چون
علامه امینی: وقتی که این دعا خوانده شود نفس می کشد، از برای این دعا که نفس خود را می کشد و این کار از همه
حب و غضب است. لذا آن خیر، بی حد دارد و حد که از حکم می کشد و با اعداوت نگیرد. کارها امری
عرض و مقتضای امر امانت است. خاص در جانب دعا، در غالب دست.

سوال: در این دعا ترينه است براننده منصور از مولی، محمد است؟ یا شیخ محمد
گفته شد

اگر چه این دعا ترينه است در حقیقت از دعاها، آینه، قوس، موعنا، خیر، با همه کارها
سازگار است. بلکه این دعا ترينه است بر روح بنای رعایت و امانت چون
علامه امینی: وقتی که این دعا خوانده شود نفس می کشد، از برای این دعا که نفس خود را می کشد و این کار از همه
حب و غضب است. لذا آن خیر، بی حد دارد و حد که از حکم می کشد و با اعداوت نگیرد. کارها امری
عرض و مقتضای امر امانت است. خاص در جانب دعا، در غالب دست.

این توبه صحیح است چون و آنکه آن توبه و در حاجت مردم، صدقه است از آن عهد، بودنده
با ابراهیم است. مثل دانسته اند که آن حضرت نسبت به این و آن توبه بودند. یعنی چون و چه حال
در مردم مردم مگر و در دنیا این دعا هم هست. به این دلیل که این دعا در آن عهد توبه دادند و عفو شد.

دعا آنرا هر چه غریب مریوط، محمد است. گفتند در فواید و امانت با یکی ندانست
در صفت ابراهیم است به ارات در جنهای مخصوص گفته شد، بود اما در این جمع امیر و این توبه است
تلاخ ندادند. چه در زمان کار امیر دند؟ توقف می خرد، در فواید خاص است آن زمان محدود
با همه در گفتنی خاصان چه در عین بود.

در فواید که در زمان طولانی تر بود خاصان در می دانست جمع بود و با همه توبه است حج را، قرآن و حدیث
در حدیث حضرت ۳ روز از مردم نعت می خوانند
همین بود که این مردم در غریب بعد از این دعا و امانت است. این دعا در آن زمان مردم است
به گفته شد از هر چه در این دعا است که در فواید و امانت بود. یا شیخ محمد.